

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۵۶

جمعه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۳، ۹ مه ۲۰۱۴

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

دستگیری‌های اول مه و مبارزه برای افزایش دستمزدها!

جنایات هم سخنان جمهوری اسلامی در نیجریه!

در جمهوری اسلامی همه متهمین "اشتباه" اعدام میشوند!

جمهوری اسلامی و مشکل لاعلاج "تهاجم فرهنگی غرب"!

صفحه ۶-۷

کارگران مخابرات شیراز و اردبیل دست به تجمع زدند

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۸

اتحادیه اروپا از حکومت اسلامی ایران درخواست بررسی مجدد پرونده ریحانه را دارد

صفحه ۱۰

دستگیر شدگان اول مه باید فوراً آزاد شوند

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۸

دستگیرشدگان اول مه باید آزاد شوند!

اختلافات جناح‌ها و گسترش تعرض مردم

مصاحبه با حمید تقوایی

اسلامی بوده است. تحریمها این بحران مزمن جمهوری اسلامی را بمراتب تشدید کرد و نهایتاً در ماندگی کل رژیم در مقابل این تناقضات بود که به روی کار آمدن روحانی منجر شد. جناح اصولگرا و خط ولی فقیه ناگزیر شد به ریاست جمهوری روحانی رضایت بدهد چون برای بن بست اقتصادی و بحران عمیق سیاسی ای که با آن روبرو بود راه حلی نداشت. اما دولت روحانی هم قادر به حل مساله نخواهد بود. همانطور که قبلاً هم در نوشته ها و اسناد حزبی توضیح داده ایم

صفحه ۲

مسلط شدن خط رفسنجانی نیست، بلکه تناقضات و مسائل سیاسی و اقتصادی پایه ای تری است. ریشه مساله در ماندگی کل رژیم در برابر بن بست اقتصادی و بحران همه جانبه سیاسی حکومت است. یک رکن معضل جمهوری اسلامی بن بست و فروپاشی اقتصادی است و رکن دیگرش رابطه با غرب. که این دو البته کاملاً بهم مربوطند. بجز مساله تحریمها، کل اقتصاد جمهوری اسلامی بر متن تخاصم با غرب و انزوا از بازار جهانی با محدودیتها و مشکلات جدی ای روبرو است و این یک مساله مزمن و همیشگی جمهوری

انترناسیونال: از خبرها چنین بنظر می رسد که اختلاف جناح ها پس از آتش بسی موقت هنگام روی کار آمدن روحانی، مجدداً شدت گرفته است. این منازعات بویژه روی روند و سرانجام مذاکرات هسته ای متمرکز شده است. زمینه و علت تشدید این اختلافات چیست؟ آیا این اختلافات تنها جلوه دیگری از کشاکش همیشگی بین اصولگرایان و دولت روحانی است؟

حمید تقوایی: به نظر من ریشه این اختلافات جناحی روی کار آمدن دولت روحانی و یا

آزادی دستگیر شدگان اول مه

امری فوری است

شهلا دانشفر

صفحه ۳

باید به کمک مردم "آب باریک" شتافت

از حکومت اسلامی افغانستان کاری ساخته نیست

بهروز مهرآبادی

صفحه ۵

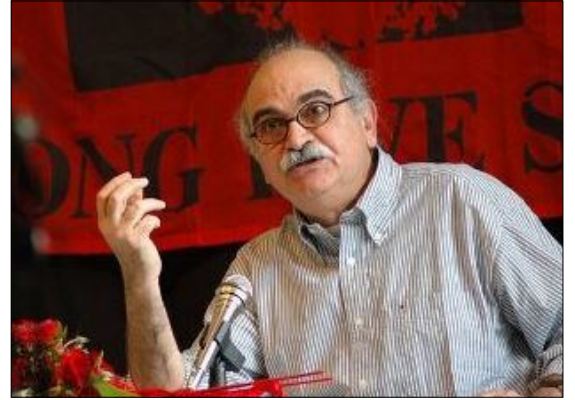
اسلام سیاسی همچنان جنایت می آفریند

دختران دانش آموز ربوده شده باید فوراً آزاد گردند!

نهاد کودکان مقدمند

صفحه ۹

اختلافات جناح‌ها و گسترش تعرض مردم



ضد آمریکائیکری برای جمهوری اسلامی یک فاکتور هویتی و استراتژیک است و ازینرو هر درجه نزدیکی با غرب تلاطمات و تناقضات ساختاری تازه ای برای کل حکومت بدنبال خواهد داشت. مضمون اختلافات جناحی در شرایط حاضر همین مساله است. هر دو جناح خواهان رفع تحریمها هستند، دعوا بر سر درجه کوتاه آمدن در برابر غرب و قیمتی است که باید برای تعامل و عادیسازی روابط با غرب بپردازند.

انترناسیونال: دولت

روحانی حل مساله هسته ای را کلید خروج از انزوای اقتصادی و براه افتادن چرخ های تولید اعلام کرده است. اینجا دو سوال مطرح می شود: اولاً، بنظر شما تا چه حد حل مساله هسته ای و رسیدن به نتیجه ای دراز مدت در این زمینه محتمل است؟ ثانیاً، تا چه درجه رفع تحریم ها و مصالحه با دول غربی می تواند بحران اقتصادی حکومت را حل کند یا حداقل تخفیف دهد؟

حمید تقوائی: حل مساله

هسته ای میتواند باعث رفع تحریمها شود ولی انزوای اقتصادی جمهوری اسلامی و خوابیدن چرخهای تولید با تحریمها شروع نشده است که با رفع تحریمها حل بشود. مساله هسته ای در حال حاضر قالب و چارچوب رابطه خصمانه و

تولید حتی در سطحی شبیه وضعیت اقتصادی ترکیه و یا امارات عربی نخواهد بود. زیر بنای بحران اقتصادی رژیم، سیاسی است. سی و پنجسال ضد غریبگری و انزوای اقتصادی به یک نوع اقتصاد مافیائی در جمهوری اسلامی شکل داده است که رانت خواری و اختلاس و سودجوییهای نجومی ناشی از تفاوت نرخ ارز و فعال مایشانی باندهای حکومتی و نهادهائی نظیر بیت رهبری و سپاه و بسیج و در نتیجه بی ثباتی شرایط تولیدی و ناامنی سرمایه گذارهای دراز مدت و حتی میان مدت، جزء لاینجزای آنست. یک الیگارش مالی متشکل از آیت الله ها و مقامات بالای حکومتی شکل گرفته است که منافع و موقعیت و قدرت سیاسی و اقتصادی اش تماماً به حفظ این سیستم گره خورده است. حتی با استفاده از شرایط تحریمها نیز عده ای که خود حکومتی ها بعنوان کاسبان تحریم به آنها رجوع میکنند سودهای نجومی بجیب زدند. کل موجودیت و ساختار سیاسی جمهوری اسلامی با این نوع سرمایه داری غیر متعارف عجین شده است و هر نوع تغییری در این سیستم اقتصادی و سوق یافتن آن به سمت یک اقتصاد سرمایه داری متعارف مستلزم تغییر و تحول در موجودیت و ساختار سیاسی جمهوری اسلامی خواهد بود.

این را هم باید اشاره کنم که از دید کارگران و توده مردم بحران اقتصادی حکومت، نه در ثبات یا بی ثباتی سرمایه گذارها، بلکه در گرانی و بیکاری و فقر و فلاکت خود را نشان میدهد. ازین نقطه نظر حتی اگر حکومت بتواند "شرایط متعارف" اقتصادی را در ایران برقرار کند این شرایط برای کارگران معنائی بجز تن دادن به ریاضت کشی و سفت کردن کمر بندها و تشدید شرایط بردگی مزدی نخواهد داشت. سرمایه داری ادغام شده در بازار جهانی تنها با تسمه کشیدن از گرده کارگر وطنی میتواند در عرصه جهانی رقابت کند. پیش شرط هر نوع براه افتادن چرخهای تولید،

هم در اقتصاد مقاومتی خامنه ای و هم اقتصاد درهای باز روحانی، پیاده کردن تمام و کمال مدل ریاضت کشی اقتصادی توصیه بانک جهانی، زدن هر چه بیشتر از دستمزدها و خدمات اجتماعی، و ایجاد گورستان کار ارزان و کارگر خاموش در ابعادی است که بتواند بازار جذابی برای سرمایه گذارهای خارجی، و شرایط قابل رقابتی برای سرمایه دارهای داخلی، ایجاد کند.

بنابراین تا آنجا که به کارگران و توده نود و نه درصدی مردم مربوط میشود مساله نه بر سر متعارف یا غیر متعارف بودن سرمایه داری در ایران بلکه در نفس وجود نظام سرمایه داری است. از دید توده مردم حل "بحران اقتصادی" تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری که این رژیم نماینده آنست امکان پذیر است.

انترناسیونال: طرفداران

دولت سعی می کنند اعدام ها، حملات به زندانیان سیاسی، حمله به کارگران در اول مه و کلا سیاست سرکوب حکومت را به جناح مقابل و تلاش های آن برای چوب لای چرخ دولت گذاشتن منتسب کنند. این ادعا تا چه حد واقعی است؟

حمید تقوائی: نوشتن

سرکوبها و کشتارها به پای جناح مخالف دولت ترفند تازه ای نیست. دولت خاتمی هم همین خط تبلیغی را دنبال میکرد. ظاهراً "اصلاح طلبی" این نوع دولتها تنها در شکوه و شکایت از خرابکاری جناح مخالف خلاصه میشود! اما کیست که نداند کل نظام جمهوری اسلامی با همه جناحها و دارو دسته های متعددش، بدون سرکوب و اعدام و زندان و شکنجه نمیتواند حتی برای یک روز دوام بیاورد. روحانی و رفسنجانی و خاتمی به همان اندازه در سازمان دادن ماشین کشتار جمهوری اسلامی نقش داشته اند که خامنه ای و جنتی و مصباح یزدی، و همه به یک اندازه در سرکوب اعتراضات و مبارزات مردم ذینفع هستند. جالب اینجاست که حتی در حرف

و موضعگیری نیز، بویژه آنجا که به مقابله با مخالفین و "حفظ کیان اسلام" مربوط میشود، تفاوت چندانی میان مقامات دولتی و جناح مخالف بچشم نمیبخورد. بعنوان نمونه، در برخورد به اول مه که به آن اشاره کردید وزیر کار اعلام کرد کارگران اجازه راهپیمایی ندارند و بعد هم کل نیروهای انتظامی و امنیتی دولتی و لباس شخصی خیابانها را قرق کردند و به تجمعات کارگری حمله کردند.

اعدام و شلاق و تعزیر نیز نتیجه تندروی افراطیون در حکومت نیست بلکه مبتنی بر قوانین قصاص و سیستم قضائی جنایتکارانه ای است که مورد تایید همه جناحهای حکومتی است. مردم با یک ماشین سرکوب و کشتار به اسم جمهوری اسلامی طرف هستند و نه با این یا آن جناح و دارو دسته حکومتی. و رئیس جمهوری و دولت در راس اجرائی این ماشین جنایت و سرکوب قرار دارند.

شکوه و شکایت دولت و رئیس جمهور از کارشکنیهای جناح مخالف در واقع یک نوع مظلوم نمائی و اعتراف به ضعف و بی جریزی مسئولین اجرائی در مقابل جناح مخالف است. هدف این تبلیغات بدر بردن کل حکومت از زیر تیغ نارضائیه و اعتراضات مردم است اما عملاً به نتیجه عکس میرسد. تصویریری که جامعه و توده مردم از این منازعات جناحها میگیرند موقعیت تدافعی، ضعف و عدم اعتماد به نفس رژیم و بهم ریختگی کل صفوف حکومت در مواجهه با مردم است.

انترناسیونال: اما اینطور

به نظر میرسد که رژیم در مقابله با اعتراضات اجتماعی و سیاسی موفق بوده است. بطور مثال، در مقابله با تلاش های کارگران برای برگزاری اول ماه مه، رژیم نیروی زیادی را برای ممانعت از برپائی این مراسم بسیج کرد و عملاً مانع برگزاری بسیاری از این تجمعات شد. آیا این نشان



آزادی دستگیر شدگان اول مه امری فوری است

شهلا دانشفر

یک موضوع فوری بدنبال روز جهانی کارگر، آزادی دستگیر شدگان این روز است. هم اکنون جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی دو تن از هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا بر سرخواست افزایش دستمزدها و دو عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران همچنان در زندانند و از تعدادی از دستگیر شدگان سندیکای فلزکار مکانیک خبری نیست.

جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی در نیمه شب ۱۰ اردیبهشت دستگیر شدند و علت دستگیر شدنشان، فراخوان هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا در مقابل وزارت کار بود. جرم این کارگران سخنگویی اعتراض ۴۰ هزار کارگر بر سر خواست افزایش دستمزدها و اعتراض به تصمیم دولت مبنی بر دستمزدهای ۶۰۸ هزار تومانی است. جرم این کارگران فراخوان به تجمع اعتراضی در روز جهانی کارگر، این روز همبستگی جهانی کارگری است.

اعضای سندیکای فلزکار مکانیک در جریان تجمعی به صورت گلگشت خانوادگی به مناسبت روز جهانی کارگر در ۱۲ اردیبهشت در محل برغان تهران دستگیر شده اند که از میان آنان مازیار گیلانی نژاد روز ۱۷ اردیبهشت آزاد شد.

آخرین اخبار از جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی حاکی از انتقال آنان به بند ۲۰۹ بود که پس از پیگیری خانواده های آنان، بنا بر خبر منتشر شده در سایت اتحاد، بعد از ساعت ۱۱ صبح روز چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت، آنها موفق به ملاقات حضوری با عزیزان خود شدند.

نکته قابل توجه در این ملاقات گفته های این دو رهبر کارگری به خانواده هایشان است.

بنا بر خبر، آنها با روحیه ای بالا در این ملاقات حضور یافته و جعفر عظیم زاده از طرف هر دو اعلام داشت که ما ضمن محکوم کردن تعرض حکومت برای جلوگیری از تجمع کارگران در روز جهانی کارگر در محل وزارت کار که در اعتراض به اجرا نشدن ماده ۴۱ قانون کار در مورد مزد سال ۹۳ صورت گرفت، همچنان بر مطالبات برحق کارگران ایران که حداقل آنها در طومار ۴۰ هزار نفری کارگران به صراحت بیان شده و در اطلاعیه ها و بیانیه های اتحادیه آزاد کارگران نیز منعکس شده است، مصرانه پافشاری میکنیم.

آنها همچنین مراتب تشکر و قدردانی عمیق خود را از همه محافل، فعالین و تشکلهای کارگری بواسطه حمایتی که از ایشان و سایر کارگران دستگیر شده بعمل آوردند، اعلام داشتند.

آنچه مسلم است، جعفر عظیم زاده، جمیل محمدی و همه دستگیر شدگان روز جهانی کارگر، بخاطر دفاعشان از خواسته های برحق کل کارگران و کل جامعه دستگیر و زندانی شده اند. گفته های جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی در دیدار با خانواده هایشان به روشنی بیانگر همین حقیقت است. به طور واقعی آنها نمایندگان ۴۰ هزار کارگر با خواست افزایش فوری دستمزدها و در واقع نمایندگان کل کارگران و کل مردم هستند.

از همین رو دفاع از این کارگران دفاع از زندگی و معیشت کل جامعه است. دفاع از این کارگران دفاع از خواست برحق ۴۰ هزار کارگری است که طومار امضا کرده اند و همین امروز خواستار لغو فوری مصوبه دولت مبنی بر ۶۰۸ هزار تومان حداقل دستمزدها و افزایش فوری دستمزدها متناسب با یک زندگی

انسانی هستند. یک شکل عملی دفاع از آنان نیز پیوستن به طومار ۴۰ هزار امضا و همراه با آنها پافشاری بر خواست افزایش فوری دستمزدهاست. و یک گام مهم برای پیشروی این مبارزه تلاش برای آزاد کردن رهبران این جنبش و این حرکت از زندان است.

کارگران امضا کننده طومار اعتراضی در سنج و کرمانشاه و نیز جمعی از کارگران اخراجی نساجی های کردستان، نساجی شاهر و نساجی پرریس طی بیانیه ای حمایت خود را از جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی بعنوان نمایندگان طومار اعتراضی بر سر دستمزد و میلیونها کارگر در ایران با خواست افزایش دستمزدها، اعلام داشته و خواستار آزادی فوری آنان شده اند.

در بخشی از بیانیه این کارگران آمده است:

"مسئولین قضایی بجای رسیدگی به قانون شکنی های دولت در وزارت کار در زیر پا گذاشتن ماده ۴۱ قانون کار که عملاً میلیونها نفر خانواده کارگری را به فلاکت کشانده، کارگران را بخاطر حق خواهی و پیگیری مطالباتشان بازداشت و زندانی میکند و این نمونه آشکار ضدیت با کارگران است.

ما کارگران امضا کننده طومار در شهرهای سنج و کرمانشاه ضمن محکوم نمودن دستگیری و ادامه بازداشت دوستانمان اخطار میدهیم که هزاران کارگر امضا کننده طومار اعتراضی برای افزایش دستمزد از این عمل غیر انسانی وزارت اطلاعات و سیستم قضایی خشمگین بوده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط این دوستان می باشیم و اعلام میکنیم چنانچه این دو تن از

هماهنگ کنندگان طومار هرچه سریعتر آزاد نگردند خود را برای ابراز اعتراض محق میدانیم و عواقب ناشی از ادامه بازداشت این کارگران مستقیماً متوجه مسئولین قضایی و اطلاعاتی است."

انتظار می رود همه این ۴۰ هزار کارگر و امضا کنندگان طومار بر سر خواست افزایش دستمزد و همه کارگران در تمام شهرها همچون کارگران سنج بیانیه بدهند و حمایت خود را از این دو کارگر زندانی که بطور واقعی نمایندگان و سخنگویان اعتراض آنان علیه دستمزدهای چند بار زیر خط فقر هستند، اعلام کنند.

در عین حال دفاع از دستگیر شدگان روز جهانی کارگر، دفاع از حق بریائی تجمع و گرامی داشت اول مه بعنوان روز جهانی کارگر بعنوان یک حق مسلم برای همه کارگران در تمام جهان است. دفاع از این کارگران دفاع از حق تجمع، حق اعتراض و حق گرامی داشت روز جهانی کارگر بعنوان یک روز همبستگی بین المللی کارگری است.

وسیعاً به حمایت از دستگیر شدگان روز جهانی کارگر بشتابیم و خواستار آزادی فوری آنان و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی شویم.

کارگران زندانی در زندانند چون از حقوق پایه ای خود و کل جامعه دفاع کرده اند. چون برگزاری روز جهانی کارگر را حق مسلم خود دانسته و به مناسبت این روز همبستگی جهانی کارگری، همگان را به تجمع و بیان خواسته ها و مطالباتشان فراخوانده اند. این کارگران در زندانند بخاطر اینکه حق تشکل را حق مسلم خود دانسته و متشکل شده اند و برای حفظ تشکلشان جانانه جنگیده اند.

رضا شهابی از اعضای سندیکای شرکت واحد یک نمونه است. او از سال ۸۹ در زندان بسر میبرد و به همین جرم ۵ سال حکم زندان دارد و در زندانهای رژیم اسلامی و در زیر شکنجه های این جنایتکاران به مرز فلج شدن رسیده است.

بهنام ابراهیم زاده، عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری و از فعالین دفاع از حقوق کودک، از دیگر رهبران کارگری در بند، و نمونه ای دیگر است که با ۵ سال حکم هم اکنون در وضعیت بدی بسر میبرد. او جزو زندانیان بند ۳۵۰ اوین است که در بورش وحشیانه رژیم به این بند مورد ضرب و شتم قرار گرفت و بعد هم به انفرادی ۲۴۰ انتقال یافت.

سپس بعد از بازگردانده شدنش به بند ۳۵۰ دوباره به انفرادی ۲۰۹ انتقال یافته و زیر شکنجه و بازجویی مجدد قرار دارد. کارگران زندانی دیگر نیز چون شاهرخ زمانی با ۱۱ سال حکم، محمد جراحی با ۵ سال حکم، رسول بداغی با ۶ سال حکم، عبدالرضا قنبری با ۱۰ سال حکم، محمد مولانایی با ۱ سال حکم و یوسف آب خرابات و واحد سیده هر کدام با دو سال حکم، همه و همه کارگرانی هستند که به جرم دفاع از حقوق پایه ای خود و مبارزه برای یک زندگی شایسته انسان در بندند.

در کنار همه این کارگران در بند، شمار بسیاری از فعالین سیاسی در عرصه های دیگر اعتراض علیه رژیم اسلامی در زندانند.

از همین رو مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان روز جهانی کارگر میتواند فاز جدیدی در مبارزه برای آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باشد.

کارزاری جهانی برپا کنیم و صدای کارگران دستگیر شده روز

از صفحه ۱

اختلافات جناح ها و گسترش تعرض مردم

اقتدار حکومت و اعتماد بنفس آن نیست؟

حمید تقوائی: به نظر من اول مه بیش از هر چیز بیانگر وحشت رژیم از اعتراضات کارگری و توده ای بود. گسیل نیروهای امنیتی و انتظامی به خیابانها و دستگیری فعالین کارگری و حتی جلوگیری از جشن و پخش شیرینی در میان کارگران، بیانگر قدرت و اعتماد به نفس نیست بلکه بر عکس نشانه ضعف و تزلزل حکومتی است که حتی از سایه اعتراضات کارگری و امکان همه گیر و فراگیر شدن تجمعات اول مه وحشت دارد.

از هفته ها قبل از روز جهانی کارگر جنب و جوش و تحرك بیسابقه ای در جنبش کارگری و در کل جامعه شکل گرفت که بخشا در تماسهای مردم و کارگران با برنامه های زنده تلویزیون کانال جدید منعکس میشد. مردم روی خط می آمدند و جامعه را به تظاهرات توده ای در روز جهانی کارگر فرامیخواندند. در اطلاعیه ها و بیانیه های نهادهای کارگری بمناسبت اول مه نیز مهمترین خواستهای نه فقط کارگران بلکه کل جامعه علیه فقر و گرانی و اعدام و سانسور و تفتیش عقاید و دستگیری افراد به جرمهای سیاسی و عقیدتی و تبعیض علیه زنان و غیره بچشم میخورد. در چنین فضائی فراخوانهای تجمع از سوی بعضی از این نهادها زنگ خطر را برای مقامات جمهوری اسلامی به صدا در آورد. وزیر کار به بهانه سخنرانی روحانی با تجمع کارگران مخالفت کرد، به کارگران مجوز تجمع و راهپیمائی ندادند و بالاخره در روز اول مه نیروهای رنگارنگ انتظامی و امنیتی شان را به خیابانها ریختند. توانستند از تجمع کارگران جلوگیری کنند اما در عین حال هراس و ضعف و بی ثباتی خود را نیز به نمایش

تغییر ریل به يك حکومت متعارف غیر متخاصم با غرب نداشتند. آنچه این تغییر ریل را غیر ممکن میکنند فرصت و شرایطی است که برای تعرض و هجوم وسیع مردم به کل بنیادهای جمهوری اسلامی فراهم میکنند. اصولا هیچ حکومت دیکتاتوری نمیتواند در ایدئولوژی و ارزشها و استراتژی سیاسی و خصوصیات هویتی و تعریفی که از خود بدست داده است تجدید نظر کند و همچنان بر سر کار بماند. از این نقطه نظر علت و مبنای بحران حکومتی جمهوری اسلامی در تحلیل نهائی درماندگی و ناتوانیش در رابطه با توده مردم است.

تا آنجا که به رابطه با مردم مربوط میشود روی کار آمدن روحانی نه تنها موقعیت رژیم را تحکیم نکرده است بلکه بر عکس زمینه و منفذی برای تعرض و پیشروی بیشتر مردم فراهم کرده است. در ذهنیت مردم شکست خط خامنه ای و جناح اصولگرا در انتخابات اخیر و رضایت دادنشان به ریاست جمهوری روحانی بدست بحساب ضعف کل حکومت گذاشته میشود. در عمل و اعتراضات روزمره نیز مردم از کنشک و بالاگرفتن اختلافات بین جناحها برای طرح خواستهای مستقل خود و تعرض بیشتر استفاده میکنند. در این فضای عمومی سیاسی است که مبارزاتی که به آن اشاره کردید، نظیر پیشرویهای جنبش کارگری، بویژه در عرصه مبارزه برای افزایش دستمزدها، اوگیری بیسابقه مبارزه علیه اعدام و یا نفی عملی حجاب و اعتراضات علیه آلودگی محیط زیست و غیره، شکل میگیرد و گسترش پیدا میکند. به نظر من توازن قوا به سرعت به نفع مردم و به ضرر حکومت در حال تغییر است و حزب ما به سهم خود همه توان و امکانات خودش را بکار میگیرد تا اعتراضات و مبارزات مردم در تمامی عرصه ها هر چه وسیعتر و متحد تر و قدرتمند تر به پیش برود و به پیروزی برسد.*

از صفحه ۴

آزادی دستگیر شدگان اول مه امری فوری است

جهانی کارگر و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در سطح جهان باشیم. عکس کارگران زندانی را همه جا نصب کنیم و با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، صف خود را برای مبارزه ای گسترده برای باز کردن درب زندانها سازمان دهیم. در هر جا که تجمع و اعتراض داریم، در کنار دیگر خواستهایمان، خواست آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی را با صدائی بلند اعلام کنیم. خانواده های کارگران زندانی و زندانیان سیاسی را تنها نگذاریم. بسیاری از این خانواده ها بخاطر در بند بودن عزیزانشان با معضلات جدی اقتصادی روبرویند. به آنها کمک رسانی کنیم. در کنارشان بایستیم و همراه با آنان پیگیر وضعیت کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باشیم. بکوشیم

با انعکاس اخبار مربوط به آنان صدای اعتراض آنها در سطح جامعه باشیم. همچنین در سطح بین المللی تلاش کنیم که صدای کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی در ایران باشیم. روشن است که امسال نیز در اجلاس سازمان جهانی کار، آی ال او، با در دست داشتن عکس کارگران زندانی حضور خواهیم یافت و خواستار اخراج رژیم اسلامی از این سازمان و همه مراجع بین المللی خواهیم شد. زندان ابزار سرکوب حکومت اسلامی برای عقب زدن مبارزات کارگران و کل جامعه است. و آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی يك عرصه مهم و فوری مبارزه همین امروز ماست. با صفی متحد و سراسری، زندان این ابزار سرکوب را از دست رژیم اسلامی بگیریم.*

حزب کمونیست کارگری حزب کسانی است که میخواهند جامعه و دنیای بهتری بسازند!

حزب کسانی که حاکمیت یک اقلیت مفتخور و بی خاصیت یعنی طبقه سرمایه دار را غیر عادلانه و ضد انسانی میدانند!

این حزب حزب کارگران و مردمی است که مصممند به دیکتاتوری و بهره کشی سرمایه داران از تولید کنندگان ثروتهای اجتماعی برای همیشه پایان دهند. حزب انقلاب انسانی برای جامعه ای برابر و انسانی!

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

باید به کمک مردم "آب باریک" شتافت از حکومت اسلامی افغانستان کاری ساخته نیست

بهر روز مهرآبادی



مردم نه تنها کمترین اهمیتی برای حکومت افغانستان و حامیان آنها ندارد بلکه آنها نقش مهمی در گسترش ابعاد فاجعه آب باریک و افزایش کشته شدگان این حادثه دارند.

نزدیک به ۳۰۰ نفر از مردم روستای آب باریک کشته شده و ۲۵۰۰ نفر در میان گل و لای و آوار ناپدید شده اند. چندین هزار

نفر از اهالی این روستا بیخانمان هستند. تعداد زیادی از مردم منطقه اطراف ارگو در معرض تهدید لغزش زمین و خطرات مشابه قرار دارند. مردم منطقه نیاز فوری به کمک های پزشکی، غذا، آب آشامیدنی، چادر و مسکن مناسب، سوخت، لباس و وسایل اولیه زندگی دارند. حکومت فاسد قومی - اسلامی حاکم بر افغانستان نه می خواهد و نه می تواند کاری برای آسیب دیدگان و مردم این منطقه انجام دهد. این حکومت را دولت آمریکا و متحدان غربی اش برای مردم افغانستان سر هم بندی کرده اند و میلیونها دلار کمک های

واریز شده به جیب سردمداران این حکومت سرازیر شده است. "اداره ملی مبارزه با حوادث طبیعی" به رهبری کریم خلیلی که میلیاردر، از اعضای رهبری حزب وحدت اسلامی و معاون رئیس جمهور است اعلام نموده که ما امکانات کشیدن اجساد و زخمی های احتمالی را نداریم و نماز جنازه غیبی برایشان می خوانیم. این در حالی است که پس از چهار روز مردم با دست های خالی خود توانستند یک کودک را از زیر آوار زنده بیرون بیاورند.

سازمانها و احزاب مترقی و گروههای مردمی در حد توان خود به کمک مردم منطقه رفته اند. این نهاد ها باید مورد حمایت وسیع قرار گیرند. امداد رسانی و توزیع کمک های دریافت شده از داخل و خارج افغانستان باید زیر نظارت نمایندگان مستقیم مردم و نهادهای غیر دولتی انجام گیرد و جلوی دزدی ها و چپاول بیشتر این کمک ها گرفته شود. باید به کمک مصیبت زدگان روستای آب باریک، شهرستان ارگو و مردم افغانستان شتافت و آنها را مورد حمایت قرار داد.*

در بالای شیب های تند و همچنین ریزش باران های شدید در منطقه، می توانستند بروز چنین واقعه ای را پیش بینی کنند. به کمک تکنولوژی مدرن به راحتی می توان این کار را کرد. در حالی که هر وجب خاک افغانستان توسط ماهواره ها در جستجوی معادن و برای اهداف نظامی مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار گرفته، نوع زمین های این منطقه و خطرناک بودن

نشان می دهد اما بدیهی است که مردم فقیر سایر مناطق به آسانی امکان رفتن به آنجا و دریافت کمک را ندارند. این اقدام شورای وزیران افغانستان فقط برای جلوگیری از عزیمت گروههای امداد رسانی مردمی به منطقه و مخفی نگاه داشتن بی مسئولیتی دولت در تشدید ابعاد این فاجعه و همچنین باز گذاشتن دست ارگانهای حکومتی در دزدیدن کمکهای است که توسط دولتها

ماشینهای خاکبرداری و امکانات فنی، چند آخوند به منطقه فرستاد تا برای زنده ها هم "نماز میت" بخوانند. برای نجات جان مدفون شدگان در زیر آوار و گل و لای هیچ اقدامی از سوی دولت انجام نگرفت، اما مردم منطقه به کمک شتافتند و با بییل و کلنگ و دستهای خالی گل و لای را کنار زدند تا بتوانند حداقل جنازه های عزیزان خود را از زیر گل و لای بیرون بیاورند.

ساعتی قبل از ظهر روز جمعه ۱۱ اردیبهشت بخش وسیعی از تپه خاکی مشرف به روستای آب باریک در شهرستان ارگو، استان بدخشان افغانستان به حرکت در آمد و بخشی از این روستا را در زیر گل و لای مدفون ساخت. صدها نفر از اهالی روستا و روستاهای اطراف به کمک شتافتند تا با ابزار ابتدایی خود مدفون شدگان را از زیر آوار نجات دهند. ساعتی بعد بخش دیگری از تپه بسوی روستا سرازیر شد و تعداد بیشتری را در کام خود فرو برد.

خبر این فاجعه بزرگ بسرعت منتشر شد. مقامات مختلف محلی در گزارشات ضد و نقیض خود آمار کشته شدگان را بین ۲۰۰ تا ۲۵۰۰ نفر اعلام کردند و نشان دادند که هیچ خبری از وضعیت منطقه آسیب دیده ندارند. اما سازمان های امداد رسانی در گزارشهای مختلف خود تعداد کشته شدگان را بیش از ۲۷۰۰ نفر اعلام کرده اند و این در حالی است که صدها خانواده بخاطر از دست رفتن خانه های خود آواره شده اند.

مقامات افغانستانی روز شنبه آغاز عملیات امداد رسانی و نجات را اعلام کردند و بعد از چند ساعت خبر از توقف عملیات نجات دادند و اعلام کردند که محل لغزش زمین تبدیل به یک گورستان عمومی خواهد شد. در حقیقت هیچ عملیات نجاتی توسط دولت انجام نشد. در چنین حوادثی بایستی حداقل تا دو هفته عملیات خاکبرداری انجام گیرد و از دستگاههای زنده یاب و از جمله سگهای آموزش دیده استفاده شود تا جان کسانی که در میان آوار زنده هستند و یا زخمی شده اند، نجات داده شود. اما دولت افغانستان بجای ارسال



زندگی در آن امر شناخته شده ای بود. مقامات افغانستان و متحدان غربی آنها نه تنها کوچکترین اقدامی برای انتقال مردم از مناطق ناامن و اسکان آنها در سایر مناطق نکرده بودند، بلکه حتی از اطلاع رسانی به مردم هم خودداری کرده اند. بعد از بروز این فاجعه است که گوشه ای از حقایق افشا شده و خطراتی که مردم این منطقه را تهدید می کند، مطرح می شود. در حالی که پیشرفته ترین تجهیزات و ماشین آلات مدرن در اختیار ارتش افغانستان و نیروهای نظامی حاضر در این کشور است، هیچ اقدامی برای نجات مردم از زیر آوار انجام نگرفته است. فاجعه آب باریک نشان داد که جان و زندگی

و نهادهای بین المللی به منطقه ارسال شده است. گزارش های منتشر شده خبر از توزیع دهها تن آرد کهنه و گندیده در بین مردم و کشمکش باندهای در قدرت بر سر تصاحب کمک های ارسال شده، دارد.

لغزش زمین را نمی توان عامل اصلی کشته شدن مردم روستای آب باریک دانست. بسیاری از حوادث طبیعی نظیر زلزله و سیل و یا لغزش زمین قابل پیش بینی هستند. بویژه در ولسوالی ارگو در استان بدخشان این حادثه کاملاً قابل پیش بینی بود. کسانی که آگاهی کمی از علم زمین شناسی دارند با توجه به جنس زمین های منطقه، وجود خانه های روستایی در دامنه و یا

دولت افغانستان همانند همتای خود در ایران منطقه مصیبت زده را امنیتی و آنرا "ممنوعه" اعلام کرد. شورای وزیران افغانستان به ماموران امنیتی در استان بدخشان دستور داد تا از ورود افراد به "منطقه ممنوعه" جلوگیری کنند. گل محمد بیدار معاون والی بدخشان چنین استدلال کرد که افراد زیادی از مناطق دیگر به محل حادثه آمده و خواهان دریافت کمک هستند. در حالی که مقامات دولتی اعلام کرده اند که روستای آب باریک در منطقه ای صعب العبور قرار گرفته و رفتن به آنجا و امداد رسانی بسیار مشکل است. هر چند که این استدلال نیاز و استیصال مردم سایر نقاط را

جنایات هم سنخان جمهوری اسلامی در نیجریه!

جنایت مدھش سازمان اسلامی بوکو حرام در نیجریه خبر داغ رسانه‌ها در هفته گذشته بود. این سازمان تروریستی ۲۷۳ دانش آموز دختر را دزدیده و در صدد فروش آنها بعنوان برده جنسی در کشورهای همسایه نیجریه است. ابوبکر شیکاو رئیس این سازمان اعلام کرده است این دختران باید بجای مدرسه رفتن ازدواج کنند! او گفته است از طرف الله ماموریت دارد که این دختران را بفروش برساند! بوکو حرام در زبان محلی به معنی "آموزش غربی حرام" است.

بوکو حرام يك سازمان تروریستی اسلامی در يك کشور آفریقائی است که ظاهراً ربط چندانی به آیت الله‌های حاکم در ایران ندارد، اما وجه مشترک اسلامی این دو مرزهای جغرافیائی را در می‌نوردد. اخلاقیات مردسالارانه، زن ستیزی و تلقی از زنان به عنوان برده و کالای جنسی مردان، و ضدیت با تمدن و فرهنگ پیشرو و مترقی امروزی تحت لوای ضدیت با غرب وجه مشترک بوکو حرام و

جمهوری اسلامی و کل جنبش اسلام سیاسی در همه جای دنیاست. جمهوری اسلامی نماینده تمام و کمال این خصوصیات است. سیاستها و قوانین و اقدامات جمهوری اسلامی نظیر حجاب اجباری، ازدواج با دختران نه ساله و فحشای اسلامی رایج تحت لوای صیغه و تعدد زوجات، تلاش حکومت برای محدود کردن رشته های تحصیلی و ورزشی زنان، مقابله با "هجمه فرهنگی غرب" و غیره در مضمون و محتوای خود از همان جنس "ربودن دختران دانش آموز برای مصون داشتن آنان از آموزش غربی" توسط تروریستهای بوکو حرام است. جمهوری اسلامی شاخه بقدرت رسیده جنبش مافوق ارتجاعی اسلامی است. با سرنگونی این حکومت ریشه بوکو حرام‌ها نیز خواهد خشکید.*

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

دستگیری های اول مه و مبارزه برای افزایش دستمزدها!

دستگیریهای اول مه، هم مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و هم جنبش کارگری برای افزایش دستمزدها را وارد فاز تازه ای میکند: فاز تعرض و پیشروی بیشتر!

دستگیری فعالین کارگری در اول مه نشانه ضعف و درماندگی حکومتی است که حتی از فراخوان تجمعات کارگری وحشت دارد. این دستگیریها پاسخ زبونانه حکومت به جنبش افزایش دستمزدها و کمپین چهل هزار امضا است؛ عکس العمل تدافعی حکومت به جنبش علیه فقر و فلاکت و شرایط انفجاری جامعه زیر فشار بیکاری و گرانی و تورم کمر شکن است. حکومت میدانند مبارزات کارگران برای افزایش دستمزدها خواست برحق توده های مردمی را نمایندگی میکند که قدرت تحمل وضع موجود را ندارند. و چاره را مثل همیشه در دستگیری و اعمال فشار بر فعالین کارگری یافته است. این تلاش حکومت را باید به عکس خود تبدیل کرد. جنبش افزایش دستمزد و کمپین چهل هزار امضا باید با قدرت خواستار آزادی دستگیر شدگان اول مه بشود.

جرم کارگران دستگیر شده چیزی جز دفاع از خواستههای برحق توده کارگران و توده مردمی که به

زیر خطر فقر رانده شده اند نیست. میتوان و باید در اعتراض و مبارزه برای آزادی آنان خواست افزایش دستمزدها را با تاکید و قدرت بیشتری مطرح کرد. باید تاکید کرد که دستمزد و قدرت خرید واقعی کارگران در سال ۹۳، حتی بنا به آمار رسمی خود حکومت، نه تنها افزایش پیدا نکرده بلکه به نسبت نرخ تورم تنزل یافته است. افزایش حداقل دستمزد به دو میلیون تومان و افزایش سالیانه دستمزدها بنا به نرخ واقعی تورم خواستی است که چهل هزار کارگر آنرا به نمایندگی از کل توده های کارگر و زحمتکش اعلام کرده اند. و اول مه روز تاکید مجدد بر این خواست پایه ای کارگران بود. در همه اطلاعیه ها و پیام های نهادهای کارگری به مناسبت اول مه خواست افزایش دستمزد در صدر مطالبات کارگران قرار داشت. خواست آزادی زندانیان سیاسی نیز از مفاد دیگر بیانیه های کارگری بود. اکنون مبارزه برای افزایش دستمزدها با مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان اول مه عجین شده است. جنبش افزایش دستمزدها با اعلام خواست آزادی فوری و بیقید و شرط همه دستگیر شدگان اول مه، همه فعالین کارگری و همه زندانیان سیاسی، دور تازه ای از تعرض خود را آغاز خواهد کرد.*

در جمهوری اسلامی همه متهمین "اشتباهها" اعدام میشوند!

الکتریکی حفر میکنند، اما قوانین و قضاوتشان همچنان مبتنی بر انتقامجوییهای عشیرتی در جوامع بدوی است. در جمهوری اسلامی نه تنها نود درصد اعدامیها بلکه اکثریت محکومین به هر کیفی بیگناه هستند. اثبات این امر نیازی به آزمایش دی.ان.ای. ندارد. قانون مجازات اسلامی خود گویا ترین سند جنایاتی است که هر روزه در دادگاهها و زندانهای جمهوری اسلامی اتفاق می افتد!*

طبق آمار رسمی در آمریکا چهار در صد اعدامی ها بیگناه هستند یعنی اشتباه محکوم و اعدام شده اند. مسلماً در جمهوری اسلامی، با توجه به فساد دستگاه قضائی و اعمال نفوذ باندهای حکومتی، این رقم بسیار بالاتر از چهار درصد است، اما تمام فاجعه این نیست. در جمهوری اسلامی "اشتباه" در خود سیستم قضائی و قوانین شرعی است. در آمریکا از جمله با استفاده از تکنولوژی امروزی نظیر آزمایش دی.ان.

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 , 127 02
Skärholmen - Sweden

Tel: 0046-739318404 دفتر مرکزی حزب
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید
از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد
پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز
قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز
به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان
اطلاع دهید.

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

جمهوری اسلامی و مشکل "علاج" تهاجم فرهنگی غرب!

حکومت‌های قرون وسطائی نظیر جمهوری اسلامی عملاً قادر نیستند در برابر دستاوردهای مادی غرب بایستند، اما وقتی نوبت به علم و هنر و فلسفه و تفکری که به این دستاوردها منجر شده است میرسد هزار و چهارصدسال به عقب می‌جهند. اسلام مانند همه مذاهب دیگر ناگزیر شده است به سنگر اخلاقیات و معنویات و بقول خامنه‌ای "عرصه علوم انسانی و اجتماعی" عقب بنشیند. تلاش میکنند کیان اسلام را در عرصه‌هایی که بطور عینی و مادی ارتجاع و کپک زدگی عیان و قابل اندازه‌گیری نیست حفظ کنند.

اما مردم ایران مانند مردم سراسر دنیا در قرن بیست و یک و با معیارها و ارزشهای جوامع امروزی زندگی میکنند و جهان بینی و هنر و سلیقه و تفکرشان را نه از فرهنگ پوسیده اسلامی بلکه از همان فرهنگی می‌گیرند که علم و تکنولوژی امروز را در اختیار آنان قرار داده است. آنچه کل موجودیت جمهوری اسلامی را به خطر انداخته است نه تهاجم فرهنگی غرب بلکه ارزشهای جهانشمول فرهنگ و تمدن انسانی قرن بیست و یکم است.*

"متأسفانه ما تهاجم فرهنگی غربی‌ها را پذیرفته‌ایم، ... باید از طریق صدا و سیما، مدارس، دانشگاه‌ها، روزنامه‌ها و ...، فرهنگ پوشش اسلامی برای جوانان تبیین شود." مکارم شیرازی
سی و پنج سال است تلاش میکنند فرهنگ اسلامی را به زور سرنیزه و گشت ارشاد و نهی از منکر و دیگر دار و دسته‌های اوباش اسلامی "برای جوانان تبیین کنند" و نمیتوانند. جامعه فرهنگ پوسیده و کپک زده اسلامی را نمی‌پذیرد.
آنچه فسیلهای حکومتی تحت عنوان فرهنگ غربی مورد حمله قرار میدهند فرهنگ پیشرو امروزی است. موزیک و فیلم و هنر و فلسفه و علم و تمدن "غربی" در واقع آخرین دستاوردهای فرهنگ و تمدن بشریت است که بعد از قرون وسطی از غرب سر بلند کرد. امروز فرهنگ مادی غرب، الکترونیسته و اتومبیل و کامپیوتر و اینترنت و تلفن و تلویزیون و غیره، تمام وجوه مادی زندگی بشر در تمام کره ارض را در بر گرفته است. اینها دستاوردهای یک کشور و یا منطقه معین در دنیا نیست، بلکه حاصل و دستاورد فرهنگ بشری از چین و مصر و یونان باستان تا به امروز است که در چند صد سال اخیر در غرب به اوج رشد و شکوفائی خود رسیده است.

موازین محاکمات

قاضی و دادگاه باید کاملاً از روند بازپرسی و تحقیق مستقل باشند. صحت قانونی پروسه تحقیق باید توسط قضات ویژه ای مورد نظارت و تأیید قرار بگیرد.

در قوانین جزایی تعدی و تجاوز به جسم و آسایش روحی انسان‌ها، خشونت علیه کودکان، خشونت علیه زنان، جرائم "ناموسی" علیه زنان، جرائم ناشی از تعصب و نفرت گروهی و جرائم توأم با اعمال خشونت و ارباب باید جرائم بسیار سنگین تری در قیاس با تعدی به حقوق ملکی و اموال اعم از خصوصی و دولتی محسوب گردند. مجازات‌های انتقامی و باصطلاح عبرت آموزانه باید با مجازات‌های معطوف به اصلاح مجرم و مصون داشتن جامعه از وقوع مجدد جرم جایگزین شود.

از یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری

اصل در کلیه محاکمات بر برائت متهم است.

محاکمات باید بدور از تحریک و پیشداوری و در شرایط منصفانه برگزار شود. محل محاکمه، قاضی و هیات منصفه باید به نحوی تعیین شوند که این شرایط تأمین گردد.

متهم و وکیل او حق دارند قبل از محاکمه از کلیه ادله و مدارک و شهود دادستان، و یا طرف شاکی، مطلع شوند و آنها را بازبینی کنند.

حکم هر دادگاهی حداقل یکبار قابل فرجام خواهی توسط متهم، دادستانی و یا هر دو سوی دعاوی حقوقی است.

ممنوعیت دامن زدن به پیشداوری عمومی نسبت به محاکمات و افراد درگیر در آن مادام که محاکمه خاتمه نیافته است.

ممنوعیت محاکمه افراد در شرایط و محیطی که فشار افکار عمومی امکان یک محاکمه بیطرفانه را سلب و یا خدشه دار کرده باشد.

شهادت پلیس در محاکمات ارزشی معادل شهادت سایر شهود دارد.

دستگیر شدگان اول مه باید فوراً آزاد شوند

مازیار گیلانی نژاد آزاد شد، جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی همچنان در زندانند
از دیگر فعالین دستگیر شده سندیکای فلزکار و مکانیک خبری نیست



مازیار گیلانی نژاد

ابراز اعتراض محق میدانیم و عواقب ناشی از ادامه بازداشت این کارگران مستقیماً متوجه مسئولین قضایی و اطلاعاتی است." کارزار برای آزادی جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی، و همه دستگیر شدگان روز جهانی کارگر و کارگران زندانی در جریان است. به هر شکلی که می‌توانید به این کارزار یاری رسانید و به آن بپیوندید.

جعفر عظیم زاده، جمیل محمدی، و دیگر دستگیر شدگان روز جهانی کارگر باید فوراً آزاد شوند.

همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

کمیته برای آزادی کارگران زندانی

۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۳

مه ۸ ۲۰۱۴

Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com
<http://free-them-now.blogspot.com>

جمیل محمدی

تجمع کارگران در روز جهانی کارگر در محل وزارت کار که در اعتراض به اجرا نشدن ماده ۴۱ قانون کار در مورد مزد سال ۹۳ صورت گرفت، همچنان بر مطالبات برحق کارگران ایران که حداقل آنها در طومار ۴۰ هزار نفری کارگران به صراحت بیان شده و در اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های اتحادیه آزاد کارگران نیز منعکس شده است مصرانه پافشاری میکنیم. آنها همچنین مراتب تشکر و قدردانی عمیق خود را از همه محافل، فعالین و تشکلهای کارگری بواسطه حمایت‌هایی که از ایشان و سایر کارگران دستگیر شده بعمل آوردند، اعلام داشتند.

دستگیری این دو فعال کارگری انعکاس بسیاری در میان کارگران داشته است. از جمله کارگران امضا کننده طومار اعتراضی در سنج و کرمانشاه و نیز جمعی از کارگران اخراجی نساجی‌های کردستان، نساجی شاهر. طی بیانیه ای ضمن محکوم کردن دستگیری و ادامه بازداشت جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی مینویسند:

"ما اخطار میدهیم که هزاران کارگر امضا کننده طومار اعتراضی برای افزایش دستمزد از این عمل غیر انسانی وزارت اطلاعات و سیستم قضایی خشمگین بوده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط این دوستان می‌باشیم و اعلام میکنیم چنانچه این دو تن از هم‌هنگ کنندگان طومار هرچه سریعتر آزاد نگردند خود را برای

جعفر عظیم زاده

اطلاعیه شماره ۱۸۴

بنا بر خبرهای منتشر شده، مازیار گیلانی نژاد از اعضای سندیکای فلزکار مکانیک که در ۱۲ اردیبهشت به همراه تعدادی دیگر از اعضای این سندیکا در جریان گرامیداشت روز جهانی کارگر، دستگیر شده بود، ساعت ۴ عصر روز ۱۷ اردیبهشت آزاد شد. آزادی مازیار گیلانی نژاد را به وی و به همکارانش و همگان تبریک می‌گوییم. از دیگر دستگیر شدگان این تجمع که بصورتی گلگشت خانوادگی در برغان تهران برپا شده بود، خبری منتشر نشده است.

جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی دو تن از رهبران کارگری و هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار کارگر برای خواست افزایش دستمزدها و از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران که در آستانه روز جهانی کارگر، در نیمه شب ۱۰ اردیبهشت دستگیر شده‌اند، همچنان در زندان بسر می‌برند.

بنا بر خبر سایت اتحاد صبح روز ۱۷ اردیبهشت خانواده‌های این دو فعال کارگری که برای پیگیری وضع عزیزان خود به اوین رفته بودند، موفق به دیدار حضوری کوتاهی با آنان شدند.

در این دیدار جعفر عظیم زاده از طرف خود و جمیل محمدی، اعلام داشت که آنها ضمن محکوم کردن تعرض حکومت برای جلوگیری از

کارگران مخابرات شیراز و اردبیل دست به تجمع زدند

جمهوری اسلامی را محکوم میکند. حزب کارگران را به تشکیل مجمع عمومی برای تصمیم متحد و سازمان یافته برای تداوم مبارزات خود فرامیخواند. حزب خانواده های کارگران و مردم شیراز و اردبیل را به شرکت در تجمعات اعتراضی کارگران فرامیخواند. اگر جمهوری اسلامی با همه نیروی دست به مقابله با کارگران میزند ما نیز باید با تمام نیروی خود به میدان بیاییم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۳
۸ مه ۲۰۱۴

کرده و به تجمع خود ادامه دادند و اعلام کردند تا گرفتن حق و حقوق خود به تجمعات اعتراضی ادامه میدهند.

در اردبیل نیز طبق گزارشی از هرانا، کارگران و کارکنان مخابرات این شهر روز ۱۷ اردیبهشت با خواست پرداخت بوضع دستمزدها و همچنین تداوم قرارداد کار در مقابل استانداری در این شهر دست به تجمع زدند. مزدوران نیروی انتظامی و لباس شخصی ها که حضور چشمگیری داشتند، تلاش کردند جلو ورود کارگران به استانداری را بگیرند که به درگیری لفظی میان کارگران و آنها منجر شد.

حزب کمونیست کارگری از خواست های بحق کارگران قاطعانه حمایت و دخالت مزدوران

طبق گزارشی که به حزب رسیده است، روز ۱۷ اردیبهشت ماه کارگران مخابرات راه دور شیراز در مقابل اداره صنایع و معادن این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند و با پلاکاردهائی که روی آنها نوشته شده بود وزارت صنایع این آخرین اخطار است، مرگ بر قانمین (سهامدار اصلی شرکت) و حق و حقوق کارگر پرداخت باید گردد، عزم خود را برای گسترش مبارزات خود نشان دادند. کارگران خواهان پرداخت فوری ۵۵ ماه حقوق و سنوات معوقه خود هستند.

طبق این گزارش، جمهوری اسلامی مامورین حراست را بعنوان بخشی از دم و دستگاه کثیف وزارت اطلاعات، سراغ کارگران فرستاد تا کارگران را پراکنده کنند اما کارگران مقاومت

اسلام سیاسی همچنان جنایت می آفریند

دختران دانش آموز ربوده شده باید فوراً آزاد گردند!

تر کرده اند.

در هر کجا که جانوران تروریست اسلامی امکانی یافته اند، با پیاده کردن احکام اسلامی تلاش داشته و دارند که جامعه را به قهقرا ببرند. از سرکوب زنان توسط نیروهای طالبان و مجاهد در افغانستان، تا عربستان و ایران، تا سوریه و عراق، هر جا که به دست اسلامی ها افتاده باشد، زنان اولین هدف و قربانی فوری اعمال قلداری آنها بوده اند.

نهاد کودکان مقدمند ضمن محکوم کردن شدید این جنایت نفرت انگیز، خود را در غم و اندوه و نگرانی خانواده های مصیبت دیده و نیز وضعیت وخیم و دردناک کودکان اسیر عمیقاً شریک میدانند.

ما بی صبرانه و با حساسیت این فاجعه را دنبال می کنیم. از نهادها و سازمانهای بین المللی و در راس آن یونسف می خواهیم با دخالت مستقیم و در عین حال با تحت فشار گذاشتن دولت نیجریه، امکانات رهایی این کودکان را از چنگال مشتکی جانور وحشی اسلامی تروریستی امکان پذیر کنند.

نهاد کودکان مقدمند
ششم ماه مه ۲۰۱۴

علیرغم همه این مصائب، همسر رئیس جمهوری نیجریه، در اقدام حیرت انگیزی به جای همدردی با خانواده های مصیبت دیده، نگران بی اعتباری بیشتر شوهرش و دستگاه فاسد اداری کشور است و دستور بازداشت دو تن از مادران مستاصل را صادر کرده است!

تا کنون ۵۳ نفر از دختران دانش آموز توانسته اند فرار کنند. اما ۲۲۳ نفر همچنان در اسارت سازمان تروریستی اسلامی بوکو حرام هستند. گزارشهای تایید نشده حاکی از آن است که برخی از این دختران در مرزهای دور افتاده کشور چاد و در کامرون به مبلغ ۱۲ دلار فروخته شده اند.

"ابوبکر شیکاو" رهبر گروه طالبانی نیجریه، دو هفته پس از این اقدام جنایتکارانه تروریستی، اعلام کرد این دانش آموزان را بعنوان غنائیم جنگی و مانند برده معامله می کند. وی بیشرمانه اعلام کرد که اجازه فروش این دختران یا با زور به ازدواج در آوردن آنان را به یاری و رضایت الله انجام خواهد داد.

فقر و فساد گسترده دستگاه دولتی، مردم نیجریه، این بزرگترین و پرجمعیت ترین کشور آفریقایی را به کام نابودی کشیده است. جریانات تروریستی اسلامی از این فضای فلاکت بار اقتصادی و اجتماعی با سازش و مماشات حکومت نیجریه، دامنه جنایات خود را گسترده



سازمان تروریستی اسلامی "بوکو حرام" که طی پنج سال اخیر مسئولیت دهها جنایت سازمان یافته را در نیجریه بعهدہ گرفته است، در ماه آوریل در یک حمله بیرحمانه که منجر به حداقل سی کشته گردید، ۲۷۳ دانش آموز دختر بین ۱۵ تا ۱۸ ساله را در روستای چیبوک در ایالت بورنو، در شمال شرق نیجریه به هنگام امتحان دانش آموزان به گروگان گرفت.

خانواده های مصیبت دیده در اعتراض به لاپالایی گری و ناتوانی دستگاه دولتی و دروغگویی مداوم دولت دایر بر فراری دادن تعدادی از دختران، دست به اعتراض زده اند.

"گودلاک جاناناتان" رئیس جمهور نیجریه مجبور شد اعتراف کند که نیروهای ارتش او نتوانسته اند اثری از دانش آموزان ربوده شده بیابند.

اتحادیه اروپا از حکومت اسلامی ایران درخواست بررسی مجدد پرونده ریحانه را دارد! نشست مشترک نمایندگان اتحادیه اروپا با سازمان عفو بین الملل در مورد ریحانه! نامه آمنة کاکاوند نماینده حزب چپ سوئد به وزیر امور خارجه سوئد در مورد ریحانه جباری!

تعلیق افتاده است اما خطر اعدام او هر لحظه محتمل است چرا که رژیم در موارد بسیاری از جمله کیس زهرا بهرامی، منتظر اینست که اعتراضات و فشارها کاهش یابد و زندانی را اعدام کند. شیوا خواستار فشار بیشتر از سوی اتحادیه اروپا به رژیم جهت اعلام رسمی لغو حکم اعدام ریحانه جباری شد. روز ۳۰ آوریل آقای

روبرتو اولمی از سوی سرویس بخش خارجی اتحادیه اروپا در جواب به نامه شیوا محبوبی ضمن تشکر از اطلاعات در رابطه با کیس ریحانه اظهار داشت که اتحادیه اروپا چندی پیش اقدام اضطراری رسمی (دیماچ) را که قرار بود برای لغو اعدام ریحانه انجام دهند در تهران انجام دادند و خواستار محاکمه مجدد ریحانه شدند. وی گفت که در جریان طومار حمایت از ریحانه بوده و شواهد نشان میدهد که فشار زیادی روی رژیم میباشد. آقای اولمی همچنین گفت که امروز با عفو بین الملل در رابطه با حمایت از ریحانه جلسه دارند.

کمپین نجات ریحانه خواهد کوشید با سازمان دادن جلسات دیگر با مقامات اتحادیه اروپا و نهادهای بین المللی، از آنها بخواهد برای نجات ریحانه هر آنچه در توان دارند بکار ببرند.

کمپین نجات ریحانه
۷ ماه مه ۲۰۱۴

بلژیک را فراخواند، که بجای سفیر معاون سفیر به مقر پارلمان اروپا رفته و به سوالات چند نماینده پارلمان مجبور به پاسخگویی شد. شیوا محبوبی از طرف کمپین نجات ریحانه اخیرا آخرین تغییرات و اخبار در مورد پرونده ریحانه را به گوش مقامات پارلمان اروپا رسانده است. گزارشی در این مورد:

در ادامه اقدامات کمپین حمایت از ریحانه جباری، شیوا محبوبی، سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، روز سه شنبه ۲۹ آوریل در تماسی با بخش سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در مورد اطلاعات جدید در مورد پرونده ریحانه جباری، نامه های ریحانه و شکنجه هایی که ریحانه جهت اعتراف تحمل کرده است، بر ملا شدن هر چه بیشتر تناقضات پرونده توضیح داد. وی همچنین به ادامه حمایت مردم و امضا طومار حمایتی بیش از صد و شصت هزار نفر اشاره کرد و اشاره کرد که ریحانه اخیرا نامه هایی به بیرون از زندان فرستاده و در مورد دستگیری و اتهامات و شکنجه هایی که شده است نوشته است. نامه های ریحانه در واقع دادخواست اوست که در دادگاه به حساب نیامده است. شیوا محبوبی در نامه اظهار داشت که اعدام ریحانه هر چند موقتا به



او در مورد ریحانه بسیار مهم بود و در سطح بین المللی انعکاس بسیار گسترده ای داشت.

اقدام بعدی ما تماس با اتحادیه اروپا بود. ما به محض اینکه امضا طومار علیه حکم اعدام ریحانه به ۱۰۰۰۰۰ نفر رسید این امضاها را برای کاترین اشتون، بان کی مون و احمد شهید ارسال کردیم.

ما خواهان ملاقات با کاترین اشتون شده ایم و منتظر این نشست هستیم. در ادامه این اقدامات تا کنون شیوا محبوبی چندین بار با مقامات اتحادیه اروپا در مورد ریحانه، کنفرانس تلفنی داشته و از آنها خواسته است فوراً برای نجات جان ریحانه اقدام کنند. اتحادیه اروپا در یک اقدام مهم سفیر جمهوری اسلامی در

وقول رسیدگی و ارسال نامه در این مورد را داد. در آغاز کار کمپین نجات ریحانه اولین اقدام ما در این رابطه نشست مشترک نازنین افشین جم یکی از فراخوان دهندگان کمپین نجات ریحانه با احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل بود.

در این نشست که پیتر مک کی وزیر دادگستری کانادا نیز حضور داشت، در مورد سیستم قضایی جمهوری اسلامی ایران به تفصیل بحث شد. نازنین افشین جم در مورد این نشست گزارشی در صفحه فیس بوک منتشر کرد که در اینجا آنرا ملاحظه میکنید.

<https://www.facebook.com/nazanin.afshinjam.5?fref=ts>

نامه احمد شهید و اظهار نظر

یک جنبه از کار کمپین نجات ریحانه، تماس با نهادهای بین المللی است.

در کشور سوئد بدنیاال تماس نمایندگان از کمیته بین المللی علیه اعدام با مقامات دولت سوئد، از جمله تماس کیمیا پازوکی و هرمزرها با مسئولین حقوق بشر و نمایندگان وزارت امور خارجه سوئد، آنها در جریان کمپین نجات ریحانه قرار گرفتند. در یک میتینگ اعتراضی در مرکز شهر استکهلم چند نماینده پارلمان از سوئد و از جمله آمنة کاکاوند سخنرانی کرد. آمنة در یک نامه مفصل به وزیر امور خارجه سوئد کارل بلیت در مورد سرنوشت ریحانه نوشت و از او خواست اقدامی بکند. وزیر امور خارجه سوئد به این نامه پاسخ داد



انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری
سردبیر این شماره: بهرام سروش
مسئول فنی: نازیلا صادقی
ای میل: anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود